

نامه سر باز به آقای تیرانک و. گینر رئیس مجلس سنای ایالات متحده امریکا و خانم شاوان وزیر تعلیمات و پژوهشهای علمی آلمان

بتاریخ های ۹ و ۱۰ جنوری سال ۲۰۱۲ بر اساس ابتکار و انسیاتیف چار نفر کانگرسمن امریکائی و میزبانی دولت آلمان نشست یک چند نفر جنایتکار بزرگ جنگی افغانستان بشمول رشید دوستم، احمد ضیا مسعود و محمد محقق در انستیتوت اسپین شهر برلین آلمان تدویر گردید. اشتراک کنندگان موضوع تقسیم و تجزیه افغانستان را تحت اجندا و بهانه ظاهری پیاده ساختن یک نظام غیر متمرکز و فدرالی در افغانستان به بحث گرفتند. حتی سناتوران امریکائی و آلمانان اشتراک کننده این نشست مودل دولت فدرالی را برای افغانستان پیشنهاد و آشتی و صلح با طالبان را رد میکردند. باید تذکر داد که صرف نظر از چگونگی نظام فدرالی، این نظام نظر بدلائل متعدد به هیچ صورت در شرایط موجود و در مقطع کنونی زمان برای افغانستان کارا نبوده و هر کسی که آنرا پیشنهاد میکند جز توطئه چیز دیگری بوده نمی تواند.

از مدت چندی است که در وسایل اطلاعات جمعی افغانستان و دیگر کشور های جهان در مورد افتتاح یک دفتر برای طالبان و امکان مصالحه با آنها سخن گفته میشود، مردم افغانستان که از جنگ بیش از ۳۰ ساله در کشور بسیار خسته، پریشان و متضرر شده اند ازین اقدام استقبال گرمی بعمل آوردند. افغانها موضوع صلح با طالبان را چنین فهمیدند و پذیرفتند که هم سازمان ملل، هم کشور های بزرگ، هم دولت افغانستان و هم طالبان با این مطلب موافقه کنند که آنها صرف در ساختار و سیستم موجوده دولتی افغانستان پذیرفته شوند یعنی بحیث جزء پروسه موجوده سیاسی کشور با آنها مصالحه صورت گیرد نه اینکه قسمتی از خاک افغانستان، ولایتی و یا مجموعه ئی از ولایات کشور به آنها واگذار شوند تا آنها در این ولایات هر نوع سیستم، قانون و نظامی را که خواسته باشند پیاده کنند و به شیوه قیل از قرون وسطایی بدون هیچ نوع آزادی برای مردم مخصوصاً زنان با زور میله تفنگ حکومت کنند و در نیم متباقی کشور دولت ویا دولت های دیگری حاکم و مستقر باشند که این امر خود بخود زمینه تجزیه و از هم پاشی کشور را بمتابه سال ۱۵۰۵ م. مساعد میسازد.

به تعقیب پخش خبر مصالحه با طالبان خبر های غیر رسمی تائید نشده پخش گردیدند که گویا ایالات متحده امریکا اداره چند ولایت جنوبی کشور را به طالبان واگذار میشود (معمولاً دستگاههای استخباراتی کشور های بزرگ قبل از اقدام به یک عملیکه از نتیجه آن ۱۰۰٪ متیقن نباشند اولاً بشکل آوازه های سر چوک از طریق منابع خود خبر آن را پخش میکنند، عکس العمل ها را در مورد جمع آوری و ارزیابی میکنند).

جنایتکاران جنگی افغانستان قاعدتاً هم از مصالحه با طالبان و هم از مستقر شدن یک دولت متمرکز قانونی در کشور بسیار ترس و وحشت دارند و به هر وسیله ممکن دست میزنند تا وضع موجوده یعنی قدرت سیاسی و ثروت های آنها حفظ باشند. آنها اولاً دست به تشکیل ائتلاف های مختلف تنظیمی بنام های «جبهه ملی» و «اتحاد ملی» زدند، سپس از آن هم پیش رفته از طریق سازمان های استخباراتی امریکا و آلمان چند نفر سناتور بی بندوبار امریکائی را سراغ دیدند، توسط آنها نشستی را در شهر برلین آلمان سازماندهی کرده و تجزیه افغانستان را به بحث گرفتند.

چون ستون فقرات دولت حامد کرزی را نیز همین جنایتکاران تنظیمی تشکیل میدهند، در غیر آن اگر در کشور یک دولت ملی و وطنپرست حاکمیت میداشت اولاً به چنین افراد با چنین نیت به هیچ صورت اجازه خروج از کشور نمیداد و ثانیاً بعد از چنین بحثهایی برای تجزیه کشور و مراجعت به کشور باید حتماً آنها را توقیف و مورد پیگرد قانونی قرار میداد، اما بسیار خوب شد که آنها خود چهره های واقعی ضد مردمی و خاین خود را نشان دادند.

ما همواره می گفتیم که آنها به مردم و کشور ما صادق نیستند، اما کسی باور نمی کرد، به یکی لقب قهرمان و به دیگری رتبه مارشال بدادند، سوومی را معاون رئیس جمهو، چهارمی را وزیر خارجه ساختند و اما امروز آنها خود ادعای ما را به اثبات میرسانند.

اصلاً واقعیت در کجاست و این جنایتکاران از چه ترس دارند؟

این جنایتکاران جنگی افغانستان که دستان شان به خون هزاران هموطن بیگناه ما بشمول زنان و کودکان آلوده است و در برابر مادر وطن و مردم ما هزاران جرم، جنایت و خیانت را انجام داده اند از واقعیت های ذیل ترس و وحشت داشته، راه را گم کرده، اعصاب خود را از دست داده، گاهی به ایجاد اتحاد های نا مقدس و بی پایه بین خود دست میزنند، گاهی هم بدامان این و آن سازمان استخباراتی آینده تجزیه و تقسیم کشور را پیشنهاد می کنند. آنها از واقعیت های ذیل ترس دارند:

به ارتباط گردهمایی برلین

۱- آنها که بر علاوه قتل هزاران انسان هموطن ما بشمول زنان و کودکان، صد ها جرم و جنایت ضد بشری را بر مردم بیگناه و بی دفاع ما از قبیل تجاوز بر ناموس مردم، غصب دارائی، خانه، مال و زمین مردم و غیره را روا داشته اند دیگر در جامعه افغانی جای نداشته و مخصوصاً از حاکمیت قانون و حکومت قوی مرکزی ترس و وحشت دارند، در پی آنند که سیستم موجود دولتی و ساختار موجوده جیو پولیتیک کشور را بر هم زنند تا در ایالات ویا دولت های جدید فدرالی که هر کدام آنها فکر میکنند در رأس اداره این ایالات فدرالی قرار خواهند گرفت، از تعقیب قانون و مردم رهایی پیدا میکنند.

۲- آنها همواره از یک دولت متمرکز و قوی مرکزی در ترس و وحشت اند زیرا منتظر آنند که آنها را مانند رادووان کراچیچ و ایوان ملادیچ یوگوسلاویا به ارتباط جرایم ضد بشری به محکمه بین المللی مجرمین جنگی ین هاگ معرفی میدارند، که البته اولاً دولت حامد کرزی که همه قدرت سیاسی آن بدست همین مجرمین جنگی است بهترین پناگاه برای آنان است اما این را هم میدانند که خواه مخواه یک روزی یک دولت قانونی در کشور مستقر و آنها را به محکمه بین المللی معرفی میدارند، ازین سبب بهر طرف دست و پا میزنند تا عمر خود را یک کمی طولانی تر بسازند.

۳- این جنایتکاران جنگی که از طریق چوروچپاول، غصب و فروش املاک دولتی، موزیم ها و آثار تاریخی و حتی فروش سلاح اردوی ملی افغانستان به کشور های متخاصم همسایه و از طریق غصب خانه ها، املاک و دارائی های شخصی میلیون ها دالر سرمایه کمایی کرده و در بانک های بیرونی اندوخته اند، بهترین و لوکس ترین خانه ها را در شهر کابل خریداری و یا جدیداً اعمار نموده اند و در کشور های بیرونی نیز به خرید خانه، هتل و انواع ملکیت ها پرداخته اند که بهترین نمونه و اثبات این موضوع تقسیم اولین گارنیزویون نظامی کشور از زمان امیر شیر علی خان بنام شیر پور در زمان حاکمیت برهان الدین ربانی توسط این جنایتکاران و جنگسالاران و اعمار لوکس ترین خانه ها در آنهاست که نمونه آنها حتی در کشور های اروپایی نیز موجود نیست و بر تعمیر هر خانه در شیر پور چندین میلیون دالر مصرف شده است (رهبران حزب دموکراتیک خلق افغانستان بعداً حزب وطن هر کدام در لحظه مرگ خود از پول قیمت یک آپارتمانیکه بحیث یگانه ملکیت داشتند هنوز قرضدار بودند، در حالیکه تمام رهبران احزاب اسلامی و قوماندانان آن ها الی یک سطح متوسط بشمول رشید دوستم در قشله نظامی شیر پور که مردم برسم شوخی آنرا «قشله چور» مینامند یک الی چند خانه بسیار لوکس اعمار نموده اند، اینک خصلت و تفاوت مبارزه و جهاد بین حزبی ها و جهادیان ما؟).

آنها از آن ترس دارند که با آمدن کدام دولت قانونی و مردمی و حتی اشتراک طالبان در یک سیستم دولتی از آنها پرسان خواهد شد که این ثروت های بزرگ، زمین های وسیع و خانه های لوکس را از کجا کرده اند؟ که نه تنها ثروت، پول و دارایی شان ضبط بلکه خود شان نیز به پای میز محاکمه کشانده خواهند شد، بنأ آنها باید با دولت فدرالی چاره خود را بکنند (مردم افغانستان مخصوصاً کابل هنوز فراموش نکرده اند و هر گز فراموش نخواهند کرد که زمانیکه یکعه تنظیم های جهادی جهت رسیدن یکه تاز شان به قدرت سیاسی در همکاری با یک گروپ خابن حزب وطن از طریق کودتا پلان مصالحه ملی دکتور نجیب الله را خنثی ساختند و قدرت سیاسی به این تنظیم ها مخصوصاً جمعیت اسلامی انتقال کرد، آنها جهت انحصار قدرت و ممانعت و محروم ساختن دیگر تنظیم ها مخصوصاً حزب اسلامی از قدرت سیاسی، جنگ و جدل را در شهر کابل با استفاده از تمام انواع سلاح ها شروع و چه محشری را بر سر مردم کابل آوردند، کابل را به یک حمام خون تبدیل کردند که در جریان این جنگ تنظیم ها بر سر قدرت هزاران انسان بیگناه هموطن ما زندگی، خانه و کاشانه خود را از دست دادند، موزیم ها، آثار تاریخی، قصر ها، مکاتب، پوهنتونها، مؤسسات تعلیمی خصوصی و خانه های شخصی اولاً بیرحمانه چور و چپاول و بعداً آتش زده شدند چنانچه ویرانه های موجوده قصر های دارالامان و تپه تاج بیک بهترین نمونه ونتیجه این جنگهای تنظیمی است. غنیمت های بدست آمده را این سارقین در داخل کشور و به کشور های همسایه بفروش رساندند. این مجرمین جنگی حتی تشکیل چند صد ساله اردوی افغانستان را به نفع و هدایت کشور های همسایه ایران و پاکستان لغو و سلاح آنرا نیز به این کشور ها فروختند).

مگر سوال اساسی و اصلی درین جا نیست که چرا این خائنین و جنایتکاران جنگی چنین کردند و می کنند، آنها برای نجات خود و یا اقلاً طول عمر خود باید چنین کنند، سوال اساسی درین است که چرا کشور های بیرونی مخصوصاً ایالات متحده، آلمان و غیره که ادعای دوستی با افغانستان و افغانها را نیز دارند چنین میکنند. آیا این کشور ها و مخصوصاً سازمان های استخباراتی و دستگاه های دیپلوماتیک شان از اعمال و کرده های این مجرمین جنگی واقف نیستند؟ که به یقین واقف هستند، آیا آنها دوستی با این چند نفر جنایتکار محدود جنگی و رانده شده از جامعه را نسبت به دوستی با عامه مردم افغانستان ترجیح میدهند؟ و آیا چنین حرکات ضد افغانی به نفع آنها است؟ که مسلماً نیست. این کشور ها در این مبارزه بین مردم افغانستان و چند نفر مجرم جنگی دشمن مردم افغانستان باید جهت مردم را بگیرند نه از جنایتکاران را.

اصلاً پلان دراز مدت این دشمنان داخلی و بیرونی افغانستان چگونه است؟

پلان درازمدت طوری است که اولاً بنام مصالحه با طالبان چند ولایت جنوبی کشور را به آنها بگذارند، ایالات متحده و ناتو پای خود را بکشد، در قسمت متباقی افغانستان چند دولت فدرالی تاجک، ازبک و هزاره را ایجاد نمایند که این عمل باز بیک جنگ و

به ارتباط گردهمایی برلین

خونریزی دوامدار انجامیده زیرا تمام مردم افغانستان مخصوصاً اکثریت اثنیکی کشور بهیچ صورت تجزیه و چنین یک ساختار سیاسی- اداری را در کشور نمی خواهند، درین جنگ دوامدار و طاقت فرسا جهت های شامل جنگ قاعدتاً از طرف کشور های متخاصم بیرونی با پول و سلاح حمایه خواهند شد. این جهت های در گیر بالأخره در جنگ بسیار خسته و فرسوده شده، اقتصاد شان بسیار ضعیف و خود شان از همسایه ها که منتظر همین فرصت خواهند بود تقاضا خواهند کرد که آنها را در خود مدغم بسازند بنهائاً یک قسمت فدرال تاجک در وجود تاجکستان، قسمت دیگر آن در ایران، فدرال ازبک در ازبکستان و فدرال هزاره طبعاً در وجود ایران و ولایات تحت اداره طالبان در وجود پاکستان مدغم میشوند و قسمیکه من ذکر کردم همان تاریخ سال ۱۵۰۵ م. تکرار خواهد شد (ادغام تدریجی افغانستان در سه دولت همسایه ایران، دولت مغولی هند و دولت خوارزمشاهی آسیای میانه که این وضع الی سال ۱۷۰۹ یعنی عروج میرویس خان هوتک و تشکیل دولت مستقل افغان در قندهار، بیش از دو صد سال دوام کرد) و نام افغانستان باز از نقشه جهان معدوم خواهد شد.

بنهائاً مردم قهرمان و وطن پرست افغانستان باید بیدار باشند و وحدت خود را بیش از پیش حفظ نمایند که دشمن در کمین است و انواع توطئه ها را می چیند که همه آنها باید خنثی ساخته شوند.

اعضای حزب وطن و تمام روشنفکران داخل و خارج کشور از مردم دوست و حکومت ایالات متحده امریکا مخصوصاً رئیس کانگرس آنکشور تقاضا بعمل میآورند که در آینده به سناتوران خود که مردم آنها را انتخاب کرده اند اجازه ندهند که چنین اعمال ضد منافع ملی افغانها را که باعث تشدید منازعه در کشور ما میگردد انجام دهند و همچنان از سناتورانی که این نشست را در برلین سازماندهی کرده بودند باز پرس قانونی بعمل بیاورند.

هم چنان ما از مردم و حکومت بسیار دوست و برادر آلمان که همواره به افغانها در اعمار و آبادی کشور شان کمک های بیشایه نموده و هزاران پناهنده افغانی را در کشور خود جا داده اند نیز دوستانه تقاضا بعمل میآوریم که کشور شان در آینده میزبان دشمنان مردم افغانستان نباشد و مدل های دولتی ایرا به افغانها پیشکش نه نمایند که باعث از هم پاشی آنکشور و خصومت بیشتر بین مردم آن و حتی منطقه گردد.

ما از هر دو ایالات متحده امریکا و آلمان، دولت افغانستان، سازمان ملل و دیگر کشور های جهان تقاضا بعمل میآوریم تا هر چه زودتر جنایتکاران و مجرمین جنگی افغانستان را به محکمه بین المللی دین هاگ معرفی و داریائی های شان بشمول منقول و غیر منقول که از طریق غیر قانونی و چورو چپاول بدست آورده اند ضبط و ملی شود.

با عرض حرمت

اعضا و فعالین سازمانهای حزبی حزب وطن و کافه مردم افغانستان